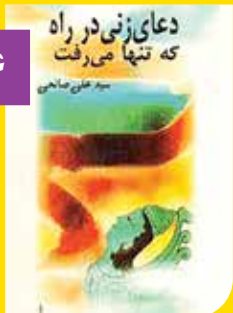


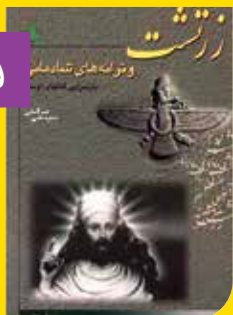
دعای زنی در راه



۴

این مجموعه شعر در سال ۸۰ منتشر شد: هوا... عجیب / میل مگوی باران دارد / اما ابری نیست / بالادست باد، بالادست برهنه باد / باید منزل کسی باشد / مرمر لغزان پشت پشه‌بند / از این پهلو به آن پهلو / حواس بی‌قرا مرا ببین / ما گم شده ایم اینجا / اینجا دور است، نابهنگام است / ما تنهایی، می‌ترسیم...

زرتشت و ترانه‌های شادمانی



۵

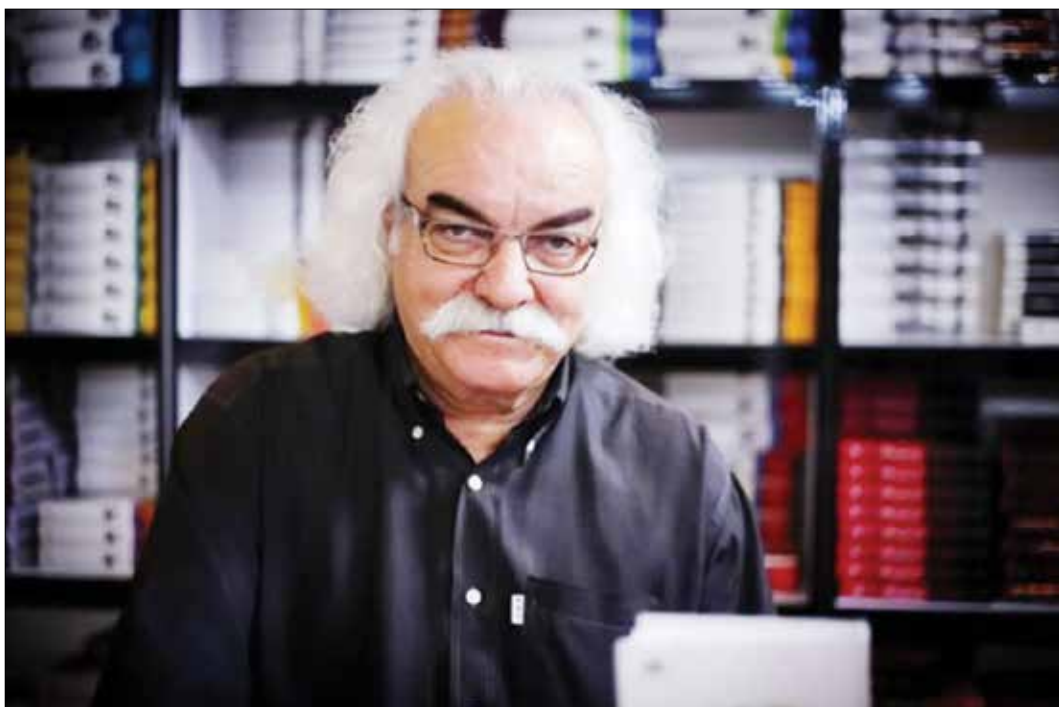
سیدعلی صالحی از دهه هشتاد طبع خود را در زمینه بازسرایایی برخی متون آرمود. «زرتشت و ترانه‌های شادمانی» یکی از این مجموعه‌هاست: هم این مرا آرزوی امیدی است / که ببینم و بیرسم: / چگونه جهانی است این شگفت نامعتدل؟ / امید همین مرا / آرزوست / که هیچ رونده‌ای را بی‌سود و بی‌سواد نبینم...

عاشقانه‌های ابونواس اهوازی



۶

این کتاب هم زیر عنوان بازسرایایی‌هایی سیدعلی صالحی در دهه هشتاد منتشر شد. ابونواس از شاعران دوران عباسیان بوده است: باده‌ای دیگرم از دریا و دلدادگی بیار / تا سنگ را به سایه و / سیاه را در آفتاب / به ذوق آورد / دوشیزه هفت دریا / در یکی جامه پنهان پسرانه‌اش / پنداری که دادار عاشقان زمین است / با مشتاقان سرمست خویش...



زبان مردم، زبان گفتار و اشتباه نشود، زبان گفتار ربطی به زبان عامیانه ندارد، بلکه روح زبان معیار و عمومی پارسی است نه کتابت خاص و نه کتابت عام، بلکه کتابت گفتار.

صالحی در مورد برخی ویژگی‌های شعر گفتار می‌گوید: «شعر گفتار، سادگی فهیمانه را پیش رو دارد. روح تسخیری این زبان، همه چیز را از نو می‌سازد از اسطوره تا استعاره، رویکرد به تصویر غیرآشکار و گفتاری و کشف لایه‌های شعر از درون زبان معیار و معنای گفت‌وگو. بعضی از شاعران جنبش گفتار گاه چنان درخشان کار می‌کنند که خود مرا عقب می‌اندازد و قلبی هم سنگ را جای سرمه اشتباه می‌گیرند، اما آینده... بدون زحمت، بدون کنگستریزم فرهنگی، بدون تبلیغات و یارگیری و باندبازی، همین آینده شعر گفتار است. نگران موج‌های کاذب نباشید.»

به هر حال در یک نگاه کلی می‌توان ویژگی شعر گفتار را در آثار صالحی مشاهده کرد. وجود دو نوع زبان متضاد در شعرها، بهره‌گیری از زبان کهن‌گرا و آرکانیک، بهره‌وری از زبان محاوره و روزمره، نوعی از سادگی و صمیمیت در زبان با بارهای عاطفی و غنایی بی‌اندازه، تکرار واژگان در ایجاد و فراهم‌آوری نوعی موسیقی، استفاده از ظرفیت‌های آوایی زبان، بهره‌گیری از تقابل‌ها و تناسب‌های دوگانه زبان، سیالیت ذهنی و فرمی، تنابع اضافات و بسیاری دیگر از مواردی که می‌توان در لایه‌های آثار صالحی و پیروانش مشاهده کرد:

امروز، غروب یکی از آن روزهای دیگر است
سه‌شنبه یا جمعه دوری از من و دریا
هفته غریب تبسم و گفت‌وگو
وتولد تکلم من از تقارن اعداد.
گویا کسی پلک پنجره را به خاطر من خواهد گشود
پسین پرباران ۱۴۰۷ خورشیدی است
در سرسرای ستارگانی از مرمر
هفتاوسه ماه مشتعل از سادگی من سخن می‌گویند
رازی پوشیده در پرده‌های پسین
یا هشتمین بهار سده‌ای سپید
که من از پس چلووار چهره آسمان
چکامه بیدارباش کسی را می‌شنوم.
مگر موعود مقرر مرگ مرا که می‌دانست؟
امروز غروب
غروب یکی از آن روزهای دیگر است.

سیدعلی صالحی در دهه شصت با انگیزه تغییر در نوع سطر بندی شعر راه تازه‌ای را پیشنهاد داد که بعدها در دهه هفتاد به اوج تحول خود در «شعر گفتار» نمایان شد. او در این رابطه می‌گوید: در ایران ما، مهم‌ترین انگیزه وسعت و تسری و سلوک بی‌کرانه شعر، به ذات زبان مادری ما بازمی‌گردد

آسمان هم که بارانی‌ست!
اصلاً فرض که مردمان هنوز در خوابند،
فرض که هیچ نامه‌یی هم به مقصد نرسید،
فرض که بعضی از این‌جا دور
حتنان از سفره و کلمه از کتاب.
شکوفه از انار و تبسم از لبانمان گرفته‌اند
با رویاهامان چه می‌کنند؟!

سیدعلی صالحی در باره «زبان» شعر در گذشته و «زبان» شعر گفتار معتقد است: «زبان آرکانیک، فاخر، فخیم، منشیانه و ممتاز، زبانی ویژه بود، نوعی گذار ذهنی به شمار می‌رفت. هیچ شباهتی به زبان گفتار ندارد. نوعی زبان باستانی بود که می‌توان از آن به عنوان آخرین نشانه‌های تأثیر شعر دهه چهل یاد کرد. در همان روزگار و در عین چنان تجاربی باز از جست‌وجو خسته نمی‌شدم. در دوران تعلیق و تشکیک به این نتیجه شهودی رسیدم که نه «اتفاق زبان» به سر منزل می‌رسد و نه «زبان اتفاق» آن انفجار نهایی که به کشف شعر گفتار منجر شد، حاصل توزان و به هم رسیدن این دو ساحل بود. شعر فریدون مشیری یکسر زبان اتفاق بوده و هوشنگ ایرانی و بداله رویایی تماماً «اتفاق زبان» هر دو از دو سوی بام به زیر می‌افتند. هنوز و حتی آنهایی که از دل این دو پدیده باریکه راهی یافته و ادامه می‌دهند، باز به جایی نمی‌رسند. «زبان اتفاق» در «زمان» می‌میرد و «اتفاق زبان» در «اوهام».

از دید صالحی، شعر گفتار در ریشه‌های شعر فارسی موجود بوده که او به کشف آن دست یافته است: «شعر گفتار، ادامه منطقی روح شعر ملی ماست در قالب مُردن امروزی‌اش... شعر گفتار از درون سنت شعر سپید و شعر سپید از درون سنت شعر پارسی به درآمده است.»

در ارتباط با وضعیت شعر گفتار در دوره معاصر می‌گوید: «من با فروغ و حافظ بزرگ شدم، هر دو از پیشگامان دوره شعر گفتارند و این دغدغه و آزمون با من بود، انقلاب شد و من سال ۱۳۶۵ به صورتی طبیعی، تمام لذتم در شعر زبان که شعر گفتار مولود آن است، خلاصه شد. مجموعه شعر «مثلثات و اشراق‌ها» همین سال به انتشارات محیط سپرده شد و شعر گفتار به مثابه جنبش فراگیر متولد شد. این سومین دوره جابه‌جایی زبان در شعر است: نه دربار، نه دانشگاه، بلکه

